



گروه تلاش برای نهادینه کردن حقوق بشر در ایران (مهر ایران)

P.O. Box 2037, P.V.P., CA 90274
Tel: (310) 377-4590 ; Fax: (310) 377-3103
E-Mail: mehr@mehr.org ; URL: http://mehr.org

از خانم شیرین عبادی پرسید:

(۱)

نیویورک تایمز در تاریخ ۱۲ اکتبر به نقل از شما مینویسد:

”بین یک جمهوری اسلامی، اسلام و حقوق بشر تناقضی وجود ندارد. اگر در بسیاری از کشورهای اسلامی حقوق بشر نقض میشود به علت تعبیر غلطی است که از اسلام میشود. تمام آنچه من در ۲۰ سال گذشته سعی کرده ام انجام دهم آن بوده است که ثابت کنم با تعبیر دیگری از اسلام امکان برقرار دموکراسی در کشورهای اسلامی وجود دارد.“

همین نشریه در تاریخ ۱۱ اکتبر به نقل از شما مینویسد:

”ما خواستیم دنیای اسلام را به این امر تشویق کنیم که اسلام و حقوق بشر میتوانند دست در دست پیش بروند. امید ما این است که در دورانی که خاور میانه دستخوش طغیان و اغتشاش است، تلاش جنبش اصلاح طلبی در ایران را برجسته کنیم.“

از این نقل قولها بنظر میرسد که شما مسئله ای با دخالت دین در دولت مشروط بر آنکه بر اساس تعابیر شما باشد ندارید.

اگر هدف شما تأیید دخالت دین در عرصه های مختلف زندگی از طریق قوانین دولتی و جایگاهش در قوانین نیست، چرا اصولاً باید تا این حد نگران این تعابیر باشید؟

(۲)

علیرغم همه کمبودها، یکی از بهترین وجوه مبانی بین المللی حقوق بشر، همانا جهان شمول بودن آنهاست. تعابیر مذهبی از آنجائیکه در بهترین حالت خود تنها اعتقادات بخشی از مردم را بیان میکنند نمیتوانند

جهان شمول گردند، مگر آنکه بخواهیم آنرا با ترور و وحشت اعمال کنیم.

چرا شما که خود را فعال حقوق بشر مینامید، حاضر به پذیرش جدائی دین از دولت نیستید؟ اصلی که بشریت بعد از قرن‌ها مبارزه آن را بدست آورده است و علیرغم نقایص فراوان، همه کشورهای متمدن آن را پذیرفته اند.

(۳)

تعبیر مختلف در همه ادیان وجود دارد. منتها مذاهب دیگر، تا میزان زیادی از دخالت در امور اجتماعی-سیاسی-اقتصادی اجتناب کرده و جدائی دین از دولت را پذیرفته اند. بحث‌های خودشان را هم در عبادتگاه‌های خود، در مدارس مذهبی و در نشست‌های خود دنبال میکنند. در این جوامع به کسی اجازه داده نمیشود که به دلیل آنکه تعبیر خودش را مترقی میدانند بتواند آنرا در دولت دخالت دهد.

چرا شما جامعه ما را لایق چنین چیزی نمی‌دانید؟ چرا نمی‌گوئید که ادیان منجمله دین اسلام و مذهب شیعه با بهترین تعبیر خود هم امری خصوصی است و نباید جائی در حکومت داشته باشند؟

(۴)

اگر جدائی بدون قید و شرط مذهب از حکومت را نمی‌پذیرید، چگونه میتوانید تضمین کنید که تعبیر به اصطلاح "خوب" شما از مذهب به حکومت برسد و در تقابل با تعبیر دیگر در حکومت باقی بماند؟

مگر این نیست که تعبیری که به گمان شما نادرست است، بیست و پنج سال است بر جامعه ما حاکم است؟ مگر این تعبیر نیز، خود را در حد تعبیر شما معتبر نمی‌داند؟

(۵)

فعالان حقوق بشر برای استمرار در کار خود و استقلال عمل نباید از طالبان قدرت سیاسی دفاع کنند. دفاع شما از اصلاح طلبان حکومتی، دفاع از انتخابات مجلس اسلامی قبل از حذف اصلاح طلبان، دفاع از آقای خاتمی، تلاش در مشروعیت طلبی برای رژیم، واسطه‌گری برای رژیم در رابطه با اخذ وام از بانک جهانی و بسیاری نمونه‌های دیگر در تناقض کامل با این امر است. توضیح شما در این مورد چیست؟

(۶)

بنا بر گزارش واشنگتن پست (5/4/04) خانم Hanna Woicke که همسرش آقای Peter Lutz Woicke معاون اجرائی تشکیلات سرمایه‌گذاری بین‌المللی (IFC) International Finance Corp که در واقع اهرم خصوصی بانک جهانی است، در ماه ژانویه با شما در تهران ملاقات میکند. ملاقات شما و ایشان به چه منظور انجام شد؟

(۷)

شما چندین بار در مراسم بانک جهانی این نظر را ابراز داشتید که نباید به رژیم های غیر دموکراتیک و رژیم های که به مردم خود ظلم میکنند کمک کرد.

مطابق خبر واشنگتن پست، در خلال صرف نهار در یک مجلس خصوصی، با حضور شما و سران بالای بانک جهانی، آقای Wolfensohn از روسای بانک جهانی از شما می پرسد که:

” در بسیاری از کشورها ما باعث بارور شدن جوامع مدنی شده ایم. آیا شما فکر میکنید که باید این امر را متوقف کنیم و صبر کنیم تا کشورها به کمال برسند تا به آنها وام بدهیم؟
آیا ما باید با رژیم های غیردموکراتیک فاصله بگیریم و بگذاریم مردم به رنج و زحمت بیافتند؟
آیا اگر اجازه بدهیم فقر در کشورهای غیردموکراتیک وجود داشته باشد، به مردم آزار نرسانده ایم؟

پاسخ شما این بود که برای پروژه های وام دهید که به نفع مردم است نه دولت. شما پیشنهاد کردید که لیستی از وضعیت حقوق بشر در کشورها درست شود و اگر شرایط رو به بهبود بود وام داده شود.

تلاش برای تجدید رابطه با رژیم اسلامی زیر پوشش ارتباط با ”مردم ایران” سالهاست که از طرف لابی گران رژیم چون AIC برای توجیه تجدید ارتباط با رژیم اسلامی عنوان شده است. آنچه که عنوان نمی شود و شما هم اشاره ای به آن نکردید اینست که در شرایط موجود، ارتباط بین نهادهای مردمی و مستقل از دولت با هیچیک از کشورهای دنیا امکان پذیر نیست. بنیادهایی چون بنیاد مستضعفان و موسسات وابسته به رفسنجانی ها و عسگر اولادیهها در صد بالائی از اقتصاد ایران و بخصوص صادرات و واردات را کنترل میکنند. مطابق آمار آکسفورد آنالیتیکا بیش از ۴۰ درصد اقتصاد ایران در کنترل بنیاد مستضعفان است.

با توجه به این واقعیت ها آیا فکر نمی کنید که اعلام موضع شما در واقع تائید کمک های بانک جهانی به رژیم اسلامی تحت عنوان کمک به مردم ایران باشد؟

(۸)

شما در تاریخ یکشنبه ۲۸ دسامبر در سایت بی بی سی، در پاسخ به سئوالی در مورد اقلیت های مذهبی گفتید:

” در این خصوص آنچه باید بگویم همانست که قانون اساسی ما گفته است. قانون اساسی ما تمام ادیان را در ایران، چه بودائی و چه بهائی و مسیحی محترم می شمارد. اما باید دید که در عمل ما چقدر از این اصل فاصله گرفته ایم.”

این ادعای کاذبی است. هیچ گونه اصلی در هیچ جای قانون اساسی در مورد احترام به مذهب بهائیت وجود ندارد. آنها حتی این حق را ندارند که فرزندان خود را به مدارس و دانشگاههای عمومی بفرستند.

چرا شما که خود را مدافع حقوق بشر میدانید، بجای افشای ظلم به آنها چنین ادعائی کاذبی میکنید؟

(۹)

شما همیشه خود را ملزم به رعایت قوانین اسلامی حاکم بر جامعه که مستتر در قانون اساسی و ملحقات آن دانسته اید. از آنها بعنوان قانون "ما" نام میبرید. بعنوان مثال میگوئید که دلیل آنکه حجاب بر سر میکنید است

اینست که قانون مملکت است.

عمل سنگسار نص صریح قانون جزای اسلامیست. اندازه سنگها را نیز تعیین کرده است. سنگ ها را هم افراد عادی زیر نظر حاکم شرع پرتاب میکنند.

آیا شما حاضرید که سنگ سنگسار را چون قانون مملکت است بیاندازید؟

(۱۰)

لطفا با ذکر مواد قانونی بگوئید که به غیر از تغییر سن حضانت کودکان به ۷ سال، چه تغییری در قوانین مربوط به کودکان و زنان در ایران شده است؟

(۱۱)

به نظر شما آیا اصل ولایت فقیه که مستتر در قانون اساسی اسلامی است با حقوق بشر و مبانی دموکراتیک خوانائی دارد؟

(۱۲)

شما در موارد مختلف چنان موضع گیری کرده اید که گوئی در چارچوب قوانین موجود در ایران امکان دادخواهی برای جنایاتی که توسط سردمداران رژیم انجام شده وجود دارد. بعنوان مثال داوطلب شده اید که قتل خانم زهره کاظمی را دنبال کنید.

آیا فکر میکنید که فرضا اگر خامنه ای در این کار دست داشته باشد، میتوانید او را به پای میز محاکمه بکشید؟

اگر نه، فکر نمی کنید این کار شما تنها دامن زدن به این توهم است که گوئی رژیم اسلامی و سیستم قضائی آن ظرفیت و قابلیت این دادخواهی ها را دارند؟

(۱۳)

شما بجای آنکه از امکانات و مصونیتی که دریافت جایزه نوبل برای شما ایجاد کرده استفاده کنید و جهانیان را در جریان نقض حقوق بشر در ایران بگذارید، بیشتر به افشای دولت امریکا پرداخته اید.

چرا از زندانیان سیاسی ایران دفاع نمی کنید و از دولتهای غربی نمی خواهید که تا زمانی که

زندانی سیاسی در ایران هست به رژیم اسلامی کمک نکنند؟

چرا از جنایات وحشتناکی چون قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ که بدستور مستقیم خمینی صورت گرفت، نه از جانب شما و نه از جانب هیچ کدام از به اصطلاح اصلاح طلبان نامی برده نمی‌شود؟

قتل های زنجیره ای چرا بدست فراموشی سپرده شده است؟

(۱۴)

رژیم اسلامی ایران آزار و نقض حقوق زندانیان را نه تحت عنوان شکنجه بلکه مطابق با ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی، که تعزیر نام دارد به منظور تادیب و اصلاح زندانیان انجام داده است و خواهد داد. تعزیر، مطابق تعریف در این ماده، تادیب و یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است از قبیل حبس و جزای نقدی و شلاق و قطع اعضای بدن.

با توجه به این قانون، نظر تان نسبت به اعلان منع شکنجه در ایران و تبلیغات حول آن چیست؟

(۱۵)

از بحث عوام فریبانه منع شکنجه و سایر ژست های رژیم اسلامی بنظر میرسد که جناح غالب به این نتیجه رسیده است که بهتر است تظاهر به اصلاح طلبی را خود مستقیماً انجام دهد. اینکار به کمک لابی‌گران و مدافعان رژیم برایش مشروعیت می‌خورد، دولتهای غربی را هم که باید بتوانند روابطشان را با این رژیم توجیه کنند راضی میکند ولی در ضمن هیچ گونه ضمانت اجرائی ایجاد نمی‌کند. امسال دول اروپائی برای حفاظت از منافع رژیم اسلامی اصولاً نقض حقوق بشر در ایران را در دستور کار کمسیون حقوق بشر سازمان ملل قرار ندادند.

آیا شما هم با امید به تغییرات درونی رژیم و نهایتاً اعمال "اسلام خوب" با این مشروعیت بخشیدن به رژیم اسلامی موافقید؟

(۱۶)

سفر های اخیر و صحبت های شما بیشتر در جهت ایجاد امید است به این امر واهی که تغییرات اساسی در رژیم ایران ممکن است. در مصاحبه ۱۲ اکتبر با نیوزویک هم گفتید که: "من بر این باورم که هنوز هم امکان دارد رژیم ایران خود را اصلاح کند."

آیا این امر را با تلاش آزادی خواهان ایران برای برافکندن بساط ظلم از طریق سرپیچی مدنی و دست یابی به یک حکومت دموکراتیک و سکولار در تضاد نمی بینید؟ آیا شما عملاً رو در روی آزادی خواهان ایرانی نیستید؟

(۱۷)

چرا مدعوین شما در طول سخنرانی های شما در اماکن مختلف و منجمله لس آنجلس دستچین شده بوده اند؟

در لس آنجلس طبق خبر اعلام شده توسط UCLA قرار بود که بلیط های برنامه شما از روز سوم ماه می توسط مسئولان دانشگاه از طریق تماس تلفنی و یا از طریق اینترنت توزیع شود. در این روز کمتر کسی موفق به اخذ بلیط شد. بنا به اظهارات متصدی پاسخ به تلفن در UCLA که Jose نام داشت، برای سالن Royce Hall که ۱۸۰۰ نفر گنجایش دارد، ۷۰۰ بلیط در اختیار آنان گذاشته شده بود. روزهای بعد هم وضع بلیط ها بهمین منوال بود. آن ۷۰۰ بلیط را هم افراد خاصی دریافت کرده بودند. گروه مهر در خلال برنامه رادیوئی خود (نهم می، رادیوی صدای ایران) و برنامه تلویزیونی خود (هشت می، تلویزیون پارس) از ایرانیانی که احیانا موفق به دریافت بلیط شده بودند درخواست کرد که این امر را به مسئولان برنامه اطلاع دهند. اعلام هم شد که فردی حاضر است که یک بلیط را به بهای ۲۰۰ دلار بخرد. هیچ کسی دریافت بلیط را تأیید نکرد.

MEHR Iran
P.O. Box 2037, P.V.P., CA 90274
Tel: (310) 377-4590 ; Fax: (310) 377-3103
E-Mail: mehr@mehr.org ; URL: http://mehr.org